

معرفی کتاب  
الْمَمَحَاتُ فِي شَرْحِ اللَّمَعَاتِ  
(شرحی زیبا و کهن از لمعات عراقی)  
اثر: دکتر علی شیخ الاسلامی  
استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران  
خانم شهره انصاری  
(از ص ۱ تا ۱۱)

#### چکیده:

کتاب لمعات، شاهکار منشور شیخ فخرالدین عراقی، از ارزشمندترین آثار حوزه عرفان و ادبیات ایران است که از همان آغاز راهیابی به مجالس درس و خانقاه‌ها، شرح و تفسیر آن، به منظور درک مفاهیم عمیق عرفانی کتاب ضروری می‌نمود. تاکنون شروح متعددی بر لمعات نوشته شده و به چاپ رسیده است. اما شرح کهن و زیبای الْمَمَحَاتُ فِي شَرْحِ اللَّمَعَاتِ، از شیخ یارعلی شیرازی، عارف قرون هشتم و نهم ه. اثری است که با وجود ویژگیهای منحصر به فرد آن، به ویژه از جنبه محتوایی، همچنان ناشناخته مانده است. این کتاب، علاوه بر نثر پخته، با شیوه‌ای روشمند، خواننده را گام به گام، در راه آشنایی با مفاهیم عمیق عرفانی لمعات به پیش می‌برد و استشادهای زیبای منظوم و منشور موجود در آن، به پارسی یا عربی، ضمن آشنا کردن خواننده با مباحث کتاب، از دشواری و دیریابی مفاهیم فلسفی - عرفانی آن می‌کاهد.

واژه‌های کلیدی: نسخ خطی، شروح عرفانی، تحلیل متن، تصحیح متن، یارعلی شیرازی.

#### مقدمه:

تردید نیست که «نسخ خطی» مجموعه‌ای عظیم از مدارک مستند فرهنگی ما در قالب آثار مکتوب هستند، که به سبب تنوع آنها از حیث موضوع، برهانی آشکار بر غنای فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی به شمار می‌آیند. از آن روی که، «یکی از راههای انتقال فرهنگ و دانش بشری، از نسلی به نسل دیگر آثار مکتوب است» (مایل مروی، ۱۳۶۹، ص ۲۳۰)، وجود این آثار ارزشمند مکتوب، فرصتی برای پژوهشگران و علاقمندان آنها فراهم می‌آورد تا با آراء و اندیشه‌های نخبگان کهن فرهنگی، در حوزه‌های گوناگون، آشنا شوند و به بررسی و تحلیل این آراء و اندیشه‌ها بپردازند. در میان مجموعه عظیم نسخ خطی ما، بخش وسیعی به آثار عرفانی اختصاص دارد و چون «اولین خصوصیت عرفان این است که مکتب کتمان است» (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۰) از همین روی:

اولاً، بیان موضوعات و مفاهیم وابسته به آن، صرفاً با ابزار کلامی خاصی مانند «نماد» یا «رمز»، «تمثیل»، «استعاره»، «مجاز» و «تشبیه» امکان پذیر است؛

و ثانیاً، ابزارهای کلامی یاد شده، گاه به سبب «مبهم بودن» قابل درک، و به اصطلاح، «فهم درست» نیستند.

در نتیجه، به دو دلیل یاد شده و دلایل دیگر، از همان آغاز روند تألیف کتب عرفانی - به نظم یا نثر - وجود منبع یا منابعی برای شرح و تفسیر این کتب، به منظور درک بهتر آنها از سوی طالبان چنین آثاری، ضروری می‌نموده است.

بخش اول: ضرورت شرح نویسی بر لمعات و بعضی از شروح آن

کتاب نفیس لمعات، شاهکار منشور ارزشمند شیخ فخرالدین ابراهیم عراقی نیز از جمله آثار عرفانی است که شرح و تفسیر آن، همواره در مجالس درس و خانقاه‌ها مد نظر بوده است. به ویژه که اثر یاد شده، لب و چکیده آراء و اندیشه‌های ابن

معرفی کتاب اللّمحات فی شرح اللّمعات... / ۳

عربی است که شیخ آن را با الهام از جلسات تلمذ کتاب فصوص الحکم در محضر شیخ عارف، صدرالدین قونوی، به تحریر کشیده است. اما نکته مهمی که همگی صاحب نظران حوزه عرفان و فلسفه بدان اذعان دارند، دیریابی و دشواری درک اصطلاحات و تعبیرات فلسفی - عرفانی موجود در آثار ابن عربی است که در نثر عرفانی پایگاهی خاص دارد تا جایی که «پیروانش او را «کبریت احمر» لقب داده بودند و کبریت احمر، که رمزی در کیمیاگری است، ماده‌ای است که سیم را به زر برمی‌گرداند و ذر تصوف، استعاره‌ای است نمودار علو مقام و مرتبت ولی» (شتاری، ۱۳۶۷، ص ۲۸). در نتیجه، از آنجا که لمعات، چکیده آراء و اندیشه‌های او به زبان پارسی است، با تمام زیبایی و روانی اش، بیش از هر اثر عرفانی دیگر، نیازمند شرح و تفسیر بوده است. شروح گوناگونی که از لمعات موجود است، دلیل بر این مدعاست.

از جمله معروفترین شروح یاد شده، می‌توان به اشعة اللّمعات مولانا عبدالرحمان جامی، شرح لمعات از شاه نعمت‌الله ولی کرمانی، ضوء اللّمعات از صابن الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی و نیز شرح لمعات اثر سید محمد نوربخش اشاره کرد. البته در این میان، شروحن وجود دارند که از شهرت شروح یاد شده برخوردار نیستند ولی در جای خود قابل بررسی هستند. از جمله آنها می‌توان از: شرح لمعات، از درویش علی بن یوسف الکرکری و نیز التنبیها فی شرح اللّمعات (نگاشته به سال ۸۶۴ هـ) از شارحن ناشناس نام برد.

اما شرحی که تحلیل متن و بررسی اجمالی آن، موضوع مقاله حاضر بوده، و «تصحیح» نسخ خطی و افزودن «تعلیقات» بر آن، توسط نگارنده جستار حاضر انجام شده است، اثری است که با وجود نفاست و اهمیت، متأسفانه تاکنون، از التفات اهل معرفت دور مانده و به چاپ نرسیده است. این شرح، اثری ارزشمند با عنوان اللّمحات فی شرح اللّمعات، از شیخ یار علی شیرازی (قرن نهم هـ) است و تاریخ تألیف آن به سال ۸۱۲ هـ می‌رسد. اللّمحات، شرحی «جامع»، «منفصل»، «دقیق» و «ممتّع» بر لمعات است که «ظاهراً به لحاظ اولویت و قدمت، ظاهراً از همه

شروح لمعات برتر است» (چپه، ۱۳۷۲، ۳۱۸).

### بخش دوم: آشنایی با شرح احوال مؤلف اللّمحات

از شرح احوال مؤلف اللّمحات، شیخ یار علی شیرازی، اطلاع چندانی در دست نیست جز آنکه از عارفان سده‌های هشتم و نهم هجری بوده و در فاصله سالهای ۸۱۲-۸۱۶ هـ درگذشته است. از وی شرحی بر *فصوص الحکم* و نیز ترجمه‌ای از *نثر الالانی* در دست است. خود وی در اللّمحات، به اثر دیگری به نام مقاصد اشاره می‌کند که ظاهراً آن را در ابتدای ورود به طریقت تصوف، به رشته تحریر کشیده بوده است.

اما از اثر حاضر (*اللّمحات فی شرح اللّمعات*)، می‌توان به درجه کمال او در حوزه عرفان و ادب و اشراف وی به آراء و اندیشه‌های عرفای متقدم به ویژه ابن عربی پی برد. همچنین اشارات او به آثار عرفای نامدار، دلیل بر مطالعه دقیق و گسترده او در این آثار است.

### انگیزه مؤلف از تألیف کتاب

با استناد به مقدمه اللّمحات در منی‌یابیم که ظاهراً تا زمان مؤلف، شرحی از لمعات در دسترس نبوده است:

«... و چون مآخذ و مشارب این رساله از اذکار افکار مرتفع، و مدارک و مآرب این عجاله از اکثر عقول و افهام، ممتنع است...، الی یومنا هذا، مخققان متصوفه، لقلّة التفاتهم الی مافیها، به حلّ آن نپرداخته‌اند و صوفیان متصلفه، بصعوبت ادراک تمعانیها، شرحش نساخته‌اند...».

مؤلف، علاوه بر دو انگیزه یاد شده، به اصرار یاران و اطرافیان، برای «استسراح بعضیات» و «استکشاف مشکلات» لمعات، به عنوان دلیلی دیگر در اقدام به شرح کتاب یاد می‌کند.

### بخش سوم : ساختار اللّمحات

متن اللّمحات، بنا بر شیوه مرسوم، با دیباچه‌ای مشتمل بر حمد و ثنای خداوند و درود و سلام بر رسول (ص) و آل و اصحاب ایشان آغاز می‌شود. سپس مؤلف به توضیح کوتاه و مفیدی درباره لمعات می‌پردازد و آنگاه، انگیزه‌های خود در تألیف اللّمحات را بیان می‌کند. پس از آن در ضمن مقدمه‌ای ممتّع و به شیوه‌ای روشمند، به بررسی «مقامات توحید و معرفت» که وی آن را «علم الهی» می‌خواند، در چهار «لمحه» می‌پردازد :

لمحه اول : در بیان موضوع و مبادی و مسائل [علم الهی]،

لمحه دوم : در بیان وجود حق (سبحانه) و لوازم آن،

لمحه سوم : در بیان غیب هویت و احدیت و واحدیت،

لمحه چهارم : در مراتب الهیه کونیه.

که تقسیم‌بندی فوق، ملهم از تقسیم‌بندی علوم از دیدگاه شیخ صدرالدین قونوی در ابتدای کتاب ارزنده *مفتاح الغیب الجمع والوجود* است (خواجهی، صص ۳-۷).

سپس با آوردن واژه «قوله» به ذکر جملات و عبارات لمعات، آغاز می‌کند و به شرح آنها می‌پردازد. وی با استفاده از عناوین «تنبیه» برای ذکر برخی موارد مهم، «تمثیل» به منظور بیان مثال یا مثالهایی که به روشن‌تر شدن مطلب کمک می‌کند، «تتمیم» برای بیان استنتاج از مباحث، و «ایضاح» برای شرح و تفصیل مطلب با هدف آشنایی بیشتر خواننده با موضوعات، که در سراسر کتاب تکرار می‌شوند، برای تفهیم مفاهیم و آسان کردن اصطلاحات دشوار و دیرپای فلسفی - عرفانی کتاب تلاش می‌کند.

نکته مهمی که تأکید بر آن ضروری است و در حقیقت نمایانگر شمّ منتقدانه مؤلف است، آن است که وی با قرار دادن خود در جایگاه خواننده کتاب، به طرح سؤالاتی در ارتباط با مباحث آن، تحت عنوان «سؤال» می‌پردازد و سپس ذیل عنوان «جواب»، به همان پرسشها پاسخ می‌گوید.

وی علاوه بر بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و احادیث قدسی و نبوی، از اقوال و معارف مشایخ نیز استفاده می‌کند و هم از گذرگاه نقد به تحلیل این نقل قولها می‌پردازد. سرتاسر *اللمحات*، علاوه بر مشحون بودن از جملات و عباراتی از آثار ابن عربی همچون *فصوص الحکم* و *فتوحات مکیه*، و نیز آثار شیخ صدرالدین قونینوی نظیر *مفتاح الغیب* و *نفحات الالهیه*، سرشار از «استشهاد»های پارسی- و عربی است که مؤلف آنها را از آثار عرفای طراز اول مانند مولانا، عطار و سنایی و نیز آثار چو قاصده عرفانی ابن فارض و اشعار ابونواس و دیگران، برگرفته است.

### سبک نگارش

کتاب، بنابر شیوه رایج در اغلب آثار عرفانی و علمی قرون هشتم و نهم ه، از نثری پخته برخوردار است که به شیوه متقدمان (قرن ششم ه) نزدیک است. استفاده از شواهد منثور و منظوم در آن فراوان است. صنایع بدیعی نظیر «جیناس»، «مراعات نظیر»، «اشتقاق»، «تنسیق الصفات»، و «درج»، در سرتاسر جملات و عبارات کتاب به چشم می‌خورد. واژگان دشوار و نیز ترکیبات و عبارات عربی مانند «فی الحقیقه» و «فافهم، فانه دقیق» در کتاب، بسیار است. از نظر دستوری، مؤلف مقید به مواردی نظیر «حذف فعل به قرینه» و «مطابقت صفت و موصوف» است. استفاده از «صیغه سوم شخص مفرد به جای اول شخص مفرد»، به کار بردن «ی» استمراری به جای «می»، به کار بردن «رای» علامت مفعول بی واسطه به جای «به» نیز از دیگر ویژگیهای دستوری کتاب است. اما به نظر نگارنده مقاله، مهمترین ویژگی نثر کتاب، «ایجاز» آن است. هر چند که کتاب، شرحی بر یک اثر دشوار عرفانی - حکمی است و تطویل کلام به منظور درک بیشتر خواننده و بیان رساتر معانی، از ویژگیهای شروح است، ولی در مجموع، نثر کتاب بر ایجاز استوار است به ویژه که مؤلف از به کار بردن «واژگان مترادف» به شدت پرهیز کرده است و صد البته تکرار بعضی عبارات و ترکیبات عربی که جزو

ویژگیهای عمومی سبک این دوره است، جز با هدف پیروی از سبک مرسوم نبوده است.

#### بخش چهارم: تأثیر اللّمحات در شروح عرفانی پس از آن

چنان که قبلاً اشاره شد، از جمله شروح لمعات، اثری با عنوان التنبیهاث فی شرح اللّمعات است. کتاب، که تاریخ نگارش آن به ۸۶۴ هـ بازمی‌گردد، ظاهراً به تقاضای دوستان نویسنده و به امر «امیر عبدالخالق» نامی تألیف شده است. ساختار صوری کتاب، بسیار به اللّمحات شبیه است و حتی مؤلف، از همان القابی استفاده کرده است که شیخ یارعلی در لمحات این القاب را برای رعایت اختصار در اسامی تنی چند از معاریف عرفا، به کار برده است. «رویهمرفته باید گفت که مصنف التنبیهاث، از اللّمحات شیخ یار علی استفاده جسته و تقلید نموده، لیکن تصنیف را رنگ خودی داده است» (چیمه، ص ۳۱۱).

#### بخش پنجم: ساختار کتاب مصحح

نفاست و اهمیت اللّمحات، نگارنده مقاله را بر آن داشت تا به بررسی و «تصحیح نسخ خطی» آن اقدام کند و با «افزودن مقدمه» ای به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان با اثر، و «تعلیقات»، با هدف درک عمیقتر مطالب آن، گامی در شناساندن این شرح ارزشمند عرفانی، برداشته باشد.

کتاب مصحح مجموعاً به چهار بخش اصلی تقسیم می‌گردد:

الف. مقدمه مصحح

ب. متن

پ. اختلافات نسخ

ت. تعلیقات

#### مقدمه مصحح:

مصحح به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان بخشی از مقدمه را به بررسی ویژگیهای آثار عرفانی و به ویژه لمعات و مؤلف آن (عراقی) و شروع لمعات، به ویژه اهمیت و نفاست شرح حاضر، اختصاص داده است. سپس، نخست به توضیح درباره شرح احوال و آثار دیگر مؤلف آن پرداخته و پس از آن تحلیل و نقد ساختارهای صوری و محتوایی کتاب را مدنظر قرار داده است. برخی از بخشهای مهم دو مورد اخیر که در مقدمه مصحح بدانها اشاره رفته است، به اختصار چنین است:

۱. آشنایی با احوال و آثار مؤلف اللّمحات،
۲. تأثیر اللّمحات در شروع عرفانی پس از آن،
۳. مشخصات نسخ خطی اللّمحات و روش تصحیح نسخ،
۴. بررسی ساختار صوری و محتوایی اللّمحات.

#### متن مصحح

این بخش از کتاب، براساس تصحیح متن خطی اللّمحات شکل گرفته و شامل «دیباچه»، «مقدمه» و «متن اصلی» اللّمحات است از همین روی، مصحح ذکر نکاتی درباره «نسخ خطی» و نیز «روش تصحیح» کتاب را برای آشنایی بیشتر خوانندگان مقاله حاضر، با کیفیت مشخصات نسخه‌ها و روش فنی تصحیح اثر، ضروری می‌داند.

#### مشخصات نسخ

مصحح، پس از طی مراحل گردآوری نسخ خطی؛ و «سنجش اعتبار» آنها، بنای کار را بر پنج نسخه گذاشت که مشخصات آنها به ترتیب «قدمت تاریخی» و «ناقص نبودن»، به قرار زیر است:

۱. نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره ۹۲۰۲۲۱۳۹. کتابت به تاریخ

۱. ۸۱۶ هـ از روی نسخه‌ای به خط مؤلف. این نسخه به عنوان نسخه اسناس در نظر گرفته شده است. (با رمز اساس)؛
۲. نسخه استاد محمود فرّخ. مورّخ ۸۲۶ هـ که ظاهراً این نسخه نیز در ترکیه کتابت شده است. (با رمز ف)؛
۳. نسخه مجلس شورای ملی به شماره ۷۷۹۸۷ هـ که اول و آخر آن افتاده است و نام کاتب معلوم نیست (با رمز م/۱)؛
۴. نسخه مجلس شورای ملی به شماره ۶۶۹۶۷ هـ اول و آخر این نسخه نیز افتاده است (با رمز م/۲)؛
۵. نسخه استاد دانش پژوه. صفحه اول نسخه آب دیده و حواشی آن از میان رفته است. اغلب صفحات و سطور آن قابل قرائت نیست (با رمز د).

#### روش تصحیح

پس از انتخاب نسخه «اساس» (با رمز اسناس)، بازنویسی کامل و دقیق متن آن انجام شد. سپس، «روش توأم» (در نظر گرفتن اقدم نسخ به عنوان متن اساس، مقایسه نسخ با یکدیگر و وارد کردن کلمات یا عبارات مناسبتر موجود در نسخه بدلها در متن اساس) به عنوان روش تصحیح برگزیده شد و ثبت اختلافات نسخ، به همین روش انجام گرفت.

#### بخش اختلاف نسخ

این بخش از کتاب، شامل ثبت اختلافات نسخه‌هاست و بر مبنای «روش توأم» تصحیح، شکل گرفته است.

#### تعلیقات

در بخش تعلیقات کتاب، سعی مصحح بر آن بوده است تا به هدف آسان کردن درک

متن، با تهیه فهرستهایی مشروح، به ویژه به توضیح برخی از موضوعات و مفاهیم یا واژگان دشوار متن، پردازد که این فهرستها به ۹ دسته تقسیم می‌شوند:

۱. فهرست آیات قرآن کریم (همراه با ترجمه آیات)،
۲. فهرست احادیث قدسی و نبوی (با ترجمه)،
۳. فهرست اقوال مشایخ صوفیه [و دیگران]،
۴. فهرست ضرب‌المثلهای موجود در متن (اعم از فارسی و عربی)،
۵. فهرست اشعار عربی و ترجمه آنها،
۶. فهرست اشعار فارسی،
۷. فهرست و معانی واژگان دشوار متن،
۸. فهرست اصطلاحات عرفانی متن،
۹. شرح احوال اشخاص و آثار آنها.

لازم به یادآوری است: در موارد ۲ تا ۶، سعی بر آن بوده است که منابع و مآخذ مربوطه، تا حد امکان، گردآوری و در ذیل موارد یاد شده، ذکر شود.

#### نتیجه:

کتاب *اللمعات فی شرح اللمعات*، جزو کهن‌ترین و زیباترین شروح لمعات و فی نفسه، اثری در خور توجه در حیطه عرفان اسلامی است که تاکنون به چاپ نرسیده است. به دلایل گوناگون، به ویژه:

۱. شیوه روشمند و منتقدانه تألیف،
  ۲. قدرت شارح در بیان حتی الامکان مشروح ولی موجز مطالب عمیق فلسفی - عرفانی،
  ۳. نثر استادانه و شاعرانه آن،
  ۴. تأثیری که پس از خود، بر دیگر شروح لمعات نهاده است،
- اثری ارزشمند و شایسته بررسی است. به همین دلیل، تصحیح کتاب یاد شده،

گامی در جهت معرفی یکی از آثار کهن ارزشمند ولی ناشناخته در حوزه عرفان به شمار می آید.

منابع:

- ۱- چیمه، دکتر محمد اختر: مقام شیخ فخرالدین بن ابراهیم عراقی در تصوف اسلامی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۲ ش. (۱۹۹۴ م).
- ۲- ستاری، جلال؛ رمزاندیشی و هنر قدسی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۶.
- ۳- شیخ الاسلامی، دکتر علی: عرفان در متن زندگی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
- ۴- صدرالدین القونوی: مفتاح الغیب و شرحه (مصباح الانس)، محمد بن حمزه الفناری، به تصحیح محمد خواجوی، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۵- مایل هروی، نجیب: نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه شناسی و شیوه های تصحیح نسخه های خطی فارسی)، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.